



## Analyzing the Criminal Liability of Judicial Agents in Case of Conflict of Laws with a View of Imami Jurisprudence

Mohammad Mousavi<sup>1</sup>, Seyed Hesam Hosseini<sup>2</sup>, Amir Ahmadi<sup>3\*</sup>

1. Ph.D Student of Theology and Islamic Studies Majoring in Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.

2. Assistant Professor, Islamic Lifestyle Quranic Research Center, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Law, Payame Noor University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

### ARTICLE INFORMATION

**Type of Article:**

**Original Research**

**Pages: 139-151**

**Corresponding Author's Info**

**ORCID:** 0000-0000-0000-0000

**TELL:** +980000000000

**Email:** amir.ahmadi@pnu.ac.ir

**Article history:**

**Received:** 04 Apr 2025

**Revised:** 11 Jun 2025

**Accepted:** 19 Jul 2025

**Published online:** 23 Sep 2025

**Keywords:**

*Agents, Criminal*

*Responsibility, Imami*

*Jurisprudence, Punishment.*

### ABSTRACT

Judicial agents are the executive arms of the country and it is not possible to establish justice and maintain civil rights and establish administrative and public order in the society without the cooperation of these agents. Due to the conflict of laws or the silence of the law, or acts and omissions that violate the rights, people from judicial agents intentionally or unintentionally weaken the rights of the citizens and therefore, in addition to administrative violations, they may be held criminally responsible. The purpose of this research is to examine the criminal responsibility of judicial agents in case of conflicting laws in Iranian criminal law with a view to Imami jurisprudence. This research tries to analyze the important topics of criminal responsibility of judicial agents and recount its necessities by using the library method and referring to jurisprudence and legal books. From this research, it can be concluded that judicial agents intentionally leave the affairs and current laws in case of conflict, or do the current actions that cause losses and damages to natural and legal persons or government institutions, or that the agent receives a profit, criminal liability is incurred, it will be the broker.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2025 The Authors.

**How to Cite This Article:** Mousavi, M; Hosseini, SH & Ahmadi, A (2025). "Analyzing the Criminal Liability of Judicial Agents in Case of Conflict of Laws with a View of Imami Jurisprudence". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 5(3): 139-151.



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران

# فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

دوره پنجم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۴

## واکاوی مسؤولیت کیفری کارگزاران قضایی در صورت تعارض قوانین با نگاهی به فقه امامیه

سیدمحمد موسوی<sup>۱</sup>، سیدحسام‌الدین حسینی<sup>۲</sup>، امیر احمدی<sup>۳\*</sup>

۱. دانشجوی دانشجوی الهیات و معارف اسلامی گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

۲. استادیار، مرکز تحقیقات پژوهش‌های قرآنی سبک زندگی اسلامی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

۳. استادیار، گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

### چکیده

کارگزاران قضایی بازوان اجرایی کشور می‌باشند که برقراری عدالت و حفظ حقوق شهروندی و برقراری نظم اداری و عمومی در جامعه بدون همکاری این کارگزاران امکان‌پذیر نمی‌باشد. افرادی از کارگزاران قضایی به دلیل تعارض قوانین یا سکوت قانون و یا فعل و ترک فعل ناقض حقوق خواسته یا ناخواسته موجب تضعیف حقوق شهروندان می‌شوند، لذا ممکن است که علاوه بر تخلف اداری، مسؤولیت کیفری متوجه آن‌ها شود. هدف این پژوهش بررسی مسؤولیت کیفری کارگزاران قضایی در صورت تعارض قوانین در حقوق کیفری ایران با نگاهی به فقه امامیه است. این پژوهش با روش کتابخانه‌ای و مراجعه به کتب فقهی و حقوقی، سعی دارد مباحث مهم مسؤولیت کیفری کارگزاران قضایی را تجزیه و تحلیل کند و ضرورت‌های آن را بازگو نماید. از این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که کارگزاران قضایی به صورت عمد در صورت تعارض قوانین امور و فعلی را ترک نمایند یا فعلی را انجام دهند که افراد حقیقی و حقوقی یا دستگاهی دولتی متحمل ضرر و زیانی شود و یا سودی عاید کارگزار شود، مسؤولیت کیفری متوجه آن کارگزار قضایی خواهد بود.

### اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۳۹-۱۵۱

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد آرکید: .....

تلفن: +۹۸۰۰۰۰۰۰۰۰۰

ایمیل: amir.ahmadi@pnu.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۱۵

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۴/۰۳/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۰۱

واژگان کلیدی:

کارگزاران، مسؤولیت کیفری، فقه امامیه، مجازات.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

## مقدمه

کارگزاران قضایی در محاکم دادگستری اشخاصی تأثیرگذار در جمهوری اسلامی ایران هستند که به صورت مستقل اختیارات و صلاحیت گسترده‌ای دارند که در لوای آن ملزم به رعایت حقوق اشخاص حقیقی و حقوقی شوند و چنانچه در صورت تعارض قوانین در اثر احکام متعارض کارگزاران قضایی خسارتی به اشخاص مزبور وارد آید، باید براساس قوانین، متحمل مسؤلیت مدنی و کیفری شوند. بنابراین تخلفات و تقصیرات کارگزاران قضایی در صورت صدور احکام متعارض باوجود قوانین متعارض ممکن است تضییع حقوق افراد جامعه را از سویی و اخلال در حاکمیت قانون و تضرر و همچنین هتک حیثیت و بی‌اعتباری تشکیلات قضایی را از سویی دیگر دربر داشته باشد، هرچند مسؤلیت کیفری کارگزاران قضایی در حقوق بین‌الملل پذیرفته نشده است، اما صرفاً با توجه به قوانین داخلی می‌توان حکم قضیه را مشخص نمود. همچنین می‌توان اظهار داشت که به سختی و با قیاس اولویت می‌توان مبانی مستقلی در فقه امامیه برای موضوع مسؤلیت کیفری کارگزاران قضایی در صورت وجود قوانین متعارض پیدا نمود. از این جهت باید مبانی فقهی مرتبط با موضوع مسؤلیت کیفری کارگزاران قضایی و اشخاص حقیقی و حقوقی را به صورت مجمل در فقه امامیه یافت تا وجه تسمیه آن را به کارگزاران قضایی مرتبط دانست تا به یک نتیجه منطقی در این خصوص دست یافت.

کارگزاری که به اندیشه‌های والای الهی و ارزش‌های متعالی اخلاقی دست یافته و با نگرشی دیگر، از فراسوی نگرش‌های مادی، به انسان، جهان و اعمال و رفتار و تجلیات آن‌ها می‌نگرد و از احساس‌های متعالی، عارفانه و معنوی برخوردار است، در عرصه زندگی اجتماعی، به شیوه انسانی که به چیزی جزء جاذبه‌های کاذب و محسوس و ملموس نظر ندارد، عمل نخواهد کرد و این نکته چیزی است که از بستر متعالی تفکر الهی اسلام نشأت گرفته و عنصری مفید و کارآمد برای خدمت به جامعه انسانی خواهد گردید و بسان شجره طیبه‌ای ارزشمند و مفید همواره ثمره پاک وجودیش در اختیار جویندگان حقیقت و خواهندگان خدمت و مستحقان خدمتگزاری قرار خواهد گرفت (نوابی، ۱۳۸۲: ۸۹). از این جهت در نظام اسلامی کارگزاران

دولت ملزم به رعایت حقوق اشخاص حقیقی و حقوقی هستند و چنانچه در صورت تعارض قوانین حقوق اشخاص را پایمال کنند و یا در اثر فعل یا ترک فعلی از سوی آن‌ها خسارتی به اشخاص وارد آید، براساس قانون، مسؤلیت کیفری یا مدنی متوجه او می‌شود. در مبانی فقهی و آثار فقها موضوع مسؤلیت کیفری کارگزاران قضایی کمتر مورد بررسی قرار گرفته است.

در نظام جمهوری اسلامی ایران که حقوق آن برگرفته از فقه امامیه می‌باشد، انجام اقداماتی مبنی بر ایجاد نظم عمومی با برخورد با افراد بزهکار در جامعه برعهده نهادهای عدالت کیفری، از جمله کارگزاران قضایی من جمله کلانتری، دادسرا، دادگاه کیفری یک و دو و نظیر این موارد و به دست کارگزاران مراجع کیفری اهم از ظابطان عام و خاص دادگستری و بعضاً با همکاری کارمندان دفتری انجام می‌پذیرد. مثال بارز تعارض قانون و وظیفه قاضی در صدور حکم در اصل ۱۶۷ قانون اساسی پیش‌بینی شده است که قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقض یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد. حال اگر در رهگذر تعارض قوانین قاضی یا یکی از کارگزاران قضایی خسارتی متوجه شخصی نمود، مسؤلیت کیفری وی چگونه خواهد بود؟ فرضیه این پژوهش این است که مسؤلیت کیفری کارگزاران قضایی در صورت تعارض قوانین در قوانین موضوعه و فقه مشخص نشده است و در این خصوص خلأ وجود دارد.

در قانون کشور فرانسه، حتی معلمان در برابر اعمالی که دانش آموزان در محیط مدرسه یا به هنگام اردو انجام می‌دهند، مسؤول جبران خسارت هستند (یزدانیان، ۱۳۹۱: ۳۷). از این جهت اگر کارگزاران قضایی به دلیل فعل و ترک فعلی یا به دلیل تعارض قوانین مسؤولیتی متوجه او شود، این بحث پیش می‌آید که آیا مسؤولیت کیفری متوجه او می‌شود؟

روش پژوهش به صورت تحلیلی - توصیفی است و روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای می‌باشد و استفاده از اینترنت نیز به منظور دستیابی به منابع پژوهشی مرتبط نیز مورد

معنای ضمانت، تعهد، ضمان، مؤاخذة و مسؤول بودن آورده‌اند (دهخدا، ۱۳۵۲: ۱۵۳)، لذا مسؤولیت از وجه تسمیه آن دور نیست. از این جهت برخی اظهار داشته‌اند: «مسؤولیت عبارت است از وجود تعهد به انجام یا عدم انجام کاری و تحمل آثار و ضمانت اجرایی‌های مقرر در صورت نقض این تعهد» (سلیمی، ۱۳۹۲: ۱۸).

مسؤولیت کیفری وقتی تحقق پیدا می‌کند که شخص مرتکب یکی از جرایمی شده باشد که به قید حصر در قانون ذکر گردیده است. درحقیقت در این نوع از مسؤولیت، جامعه برای حفظ صلح و امنیت خود و جلوگیری و ممانعت از اقدام مجدد شخص خطاکار نسبت به انجام چنین اعمال زیان‌باری و نیز بازدارندگی دیگر آحاد جامعه از ارتکاب چنین اعمالی از طریق اجرای مجازات از خود دفاع می‌نماید (صالحی مازندرانی، ۱۳۹۱: ۱۰۸). بنابراین اعمال مجازات به احراز مسؤولیت کیفری و احراز آن به احراز مجرمیت منوط است (گلدوزیان، ۱۴۰۱: ۲۷).

انسان از لحاظ کیفری مسؤول است، زیرا موجودی است هوشمند و برخوردار از اراده آزاد و اصل مسؤولیت اخلاقی چیزی جز این نیست. منشأ پنهانی و نیرومندی که پایه و اساس همه قواعد مسؤولیت کیفری است، در اصطلاح «مبانی مسؤولیت کیفری» نامیده می‌شود، از جمله نمونه‌های بارز مسؤولیت کیفری عبارت است از: نیروی الزام‌آور عرف و یا هدف‌ها و مصالح و مفاسدی که قانون‌گذار جزایی با رعایت شرایط و عوامل اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی جامعه خود برای تنظیم و بهبود روابط قضایی مردم در یک مقطع زمانی خاص مورد توجه قرار داده و در تدوین و تقنین قوانین کیفری از آن حمایت می‌کنند (دلفانی، ۱۳۹۲: ۷۹).

در حقوق ایران، براساس ماده ۱۴۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ بر این مسأله تصریح دارد که مسؤولیت کیفری شخصی است. با این همه تصریح ماده ۱۴۲ شرایطی را در نظر گرفته است که براساس آن‌ها ممکن است فردی به‌خاطر رفتاری که دیگری مرتکب شده است، دارای مسؤولیت کیفری شناخته شود. به‌موجب این ماده، «مسؤولیت کیفری به‌علت رفتار دیگری تنها در صورتی ثابت است که شخص به‌طور قانونی مسؤول اعمال دیگری باشد یا در رابطه با نتیجه رفتار ارتكابی

توجه قرار می‌گیرد. از جمله ضرورت این پژوهش در این است که فساد در نظام‌های قضایی و اداری اغلب کشورها موجب آسیب‌رسانی جدی به توسعه و پیشرفت شده و در کشورهای در حال توسعه، اهمیت و مهار و کنترل آن کاملاً برای سیاستمداران و مردم آن‌ها واضح و آشکار گردیده است، لذا اگر کارگزاران قضایی در انجام وظایف خود با تعارض قوانین روبه‌رو شوند و موجب تضییع حقوق اشخاص شوند. از این‌رو موجب تضعیف اعتقاد ملت‌ها به توانایی خویش و باعث ناامیدی و سرخوردگی نسبت به آینده‌ای قابل پیش‌بینی می‌شود، در نتیجه بررسی مسؤولیت کیفری کارگزاران در صورت تعارض قوانین یک ضرورت است تا از تشدید آسیب‌ها در آینده پیشگیری نماید.

### ۱- پیشینه پژوهش

محمدی جرجافکی و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل مبانی فقهی مسؤولیت کیفری دولت‌ها» اشاره نمودند که در این پژوهش از مبانی عام مسؤولیت کیفری برای مسؤولیت کیفری دولت‌ها بهره گرفته شده است. نوآوری پژوهش مسؤولیت کیفری کارگزاران قضایی در این است که به مبانی حقوقی و فقهی موضوع در باب مسؤولیت کیفری کارگزاران قضایی پرداخته شده است.

در پژوهشی دیگر از صالحی مازندرانی (۱۳۹۱) با عنوان «بررسی فقهی حقوقی مسؤولیت مدنی ناشی از تصمیمات قضایی با نگاهی به برخی نظام‌های حقوقی»، بحث مسؤولیت مدنی قضات در میان است و نوآوری پژوهش حاضر بحث مسؤولیت کیفری کارگزاران قضایی است.

نوآوری این پژوهش در این است که باتوجه به عدم صراحت مستقیم آرای فقها به بحث مسؤولیت کیفری کارگزاران قضایی، مسائل فقهی و حقوقی این موضوع مورد مذاقعه است.

### ۲- چهارچوب نظری پژوهش

#### ۱-۲- مسؤولیت کیفری و مبانی آن

در لغت مسؤولیت، یعنی آن‌چه که انسان عهده دارد و مسؤول آن است (فیومی، ۱۴۱۴: ۲۷۸/۱؛ فیروزآبادی، ۱۴۳۲: ۳۹۹/۳). در تعریف مسؤولیت برخی آن را مصدری صناعتی از مسؤول به

در مدینه فاضله که کامل‌ترین شکل از جامعه است، افراد در امور مختلف با هم تعاون و همکاری دارند و از این طریق است که به سعادت می‌رسند. مدینه فاضله‌ای که حکم بدن انسان را دارد که به‌خاطر ادامه حیات، تمام اجزای آن بر طبق نظام خاص خویش رفتار می‌کنند، اما نمی‌توان تمام اعضای بدن را به یک درجه از اهمیت به حساب آورد. آنچه که حاکم بر مقدرات بدن است، قلب می‌باشد که در حکم فرمانده بدن است و مابقی اعضا، درحقیقت، خادمین آن هستند (فارابی، ۱۳۵۸: ۱۸۵).

#### ۲-۴- تعارض قوانین

چنانچه قانون‌گذار در موضوعی واحد دو حکم متفاوت صادر نماید، به‌گونه‌ای که هریک از آن‌ها دیگری را نفی کند، تعارض دو حکم قانونی محقق است (میرزائی، ۱۳۹۸: ۷۵). به عبارتی دیگر، در صورتی که اجرای یکی از اوامر قانون‌گذار با اطاعت از حکم دیگر او مخالف باشد، آن دو حکم را «معارض» یا «متعارض» و نسبت میان آن‌ها را «تعارض» یا «تناقض» گویند (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۱۹۸). وقوع تعارض قوانین عمدتاً ناشی از تصویب انبوه قوانین و غنای نظام حقوقی است (میرزائی، ۱۳۹۸: ۷۶).

#### ۳- مبانی اساسی برقراری مسؤولیت کیفری کارگزاران قضایی

هنجارهای حقوقی بر پایه مبانی (از قبیل مبانی اخلاقی) شکل می‌گیرند و اراده حکومت صرفاً نقش اعلامی در این باره دارد. در خصوص مبانی اساسی برقراری مسؤولیت کیفری کارگزاران قضایی به نظر می‌رسد که براساس ماده ۵۸۸ قانون تجارت ایران، خص حقوقی، از جمله کارگزاران قضایی کلیه حقوق، اختیارات، تعهدات و تکالیف شخص حقیقی را دارا هستند، مگر حقوق و وظایفی که بالطبع فقط ممکن است انسان دارای آن باشد، مانند حق ازدواج، وظایف ابوت و نبوت و امثال ذالک. از این جهت حقوق و تکالیف پیش‌بینی شده در قانون مدنی برای اشخاص حقیقی قابل تعمیم و تسری به اشخاص حقوقی نیز هست.

دست‌اندرکاران عدالت کیفری، رعایت حقوق دفاعی را ضرورتی تخلف‌ناپذیر تلقی خواهند کرد، نه امری غیرضروری و کم‌اهمیت به‌نحوی که در معارضه و مقابله با برخی مصلحت‌ها، آن را نقض نخواهند کرد. مجریان امر قضاء حقوق دفاعی را واجد

دیگری مرتکب تقصیر شود.» تردیدی نیست که نمی‌توان حکم ماده ۱۴۲ را استثنایی بر حکم ماده ۱۴۱ دانست، زیرا شرایط مذکور در ماده ۱۴۲ کاملاً نشان می‌دهند که مسؤول کیفری فعل غیرمرتکب قصور یا تقصیر شده است. این قصور و تقصیر باعث می‌شود که بتوان رفتاری را که ظاهراً دیگری مرتکب شده است، به قاصر یا مقصر اصلی منتسب نمود (جعفری، ۱۳۹۶: ۱۷۵).

#### ۲-۲- مفهوم کارگزار

منظور از کلمه کارگزار، همان عاملی است که در درون سیستم حاکمیت به ایفای نقش می‌پردازد و جزئی از مجموعه کاری و خدمتی حاکمیت را برعهده می‌گیرد. بنابراین کارگزار حکومتی، اعم از رده‌های بالای تشکیلات و افراد پس از آن تا پایین‌ترین درجه و مرتبه تشکیلات حاکمیت است که در هریک از ساختارهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، خدماتی و نظیر این موارد به ایفای وظیفه و انجام کاری مبادرت می‌ورزد، بدین صورت کارگزار را می‌توان در یک معنای عام و کلی به گونه ذیل تعریف نمود.

از این جهت کارگزار در سیستم حکومتی، عبارت از عاملی است که در حوزه کاری مربوط به خود به انجام یک نقش و ایفای یک وظیفه و تحقق آن می‌پردازد (نویسی، ۱۳۸۲: ۹۱).

#### ۲-۳- کارگزاری در نظام دینی

کارگزاری نظام دینی، اجرای عملیاتی اندیشه‌های الهی در حق جامعه و حکومت است و در راستای ارزش‌های دینی و به مرحله عینیت‌رساندن آن‌هاست، بدین‌روی کارگزاران نظام دینی همچون کارگزاران الهی‌اند که رشد عقلانی و معرفتی جامعه را سبب گشته و ایجاد و حفظ امنیت اجتماعی و تأمین معیشت و اقتصاد و رفاه جامعه و در نتیجه ایجاد زمینه رشد جامعه انسانی تا بی‌نهایت را فراهم می‌سازند. کارگزاری نظام دینی حرکتی الهی و معنوی است که کارگزار را متشبه به خدا و عالم قدس و معنویت می‌نماید و در واقع به‌وسیله چنین کارگزارانی زمینه پیدایش مدینه‌ای فاضله مهیا می‌شود. مدینه فاضله‌ای که افراد آن با روح تعاون و همکاری و همدلی عمل می‌نمایند و برای رسیدن به غایت و مقصد الهی ره می‌سپارند.

### ۳-۲- اجرای عدالت جهت تبییه و اصلاح متخلف و برقراری نظم در جامعه

براساس مفهوم استحقاق است که عدالت کيفری به عنوان اصل توجیه کننده مجازات مطرح می گردد. عدالت، زمانی به اجرا درمی آید که مرتکبان جرایم، مجازات شوند و زمانی عدالت زیر پا گذاشته می شود که بی گناهان، مجازات گردند. به گفته طرفداران سزاده، هدف از نظام قضایی کيفری در جامعه این است که مجرمان به آن چه سزاوار آند، برسند. ایشان قائل اند میان تمایل به انتقام و تمایل به اجرای عدالت، تفاوت بسیار مهمی وجود دارد و سزادهی براساس تمایل دوم است، نه از نوع اول. سزادهی در مورد مجازات بر مبنای میل به عدالت است؛ به همین دلیل، مجازات عادلانه همان مجازات مکافات گرایانه است (آلتن، ۱۳۸۶: ۲۷۲).

### ۳-۳- اعتماد و امیدواری مردم به عملکرد دستگاه قضایی

حفظ حقوق و آزادی های مردم اقتضا می کند که همواره از تجاوز و تعدیات کارگزاران حکومتی در امان باشند. بنابراین وجود قوانینی ثابت که در پناه آن شهروندان بتوانند آزادانه و بدون هراس و دلنگرانی مناسبات اجتماعی خود را گسترش و سامان دهند، شرط تضمین این حقوق و آزادی هاست. برای حفظ و رعایت آن واجب است پیش از آن قانون گذار حد و مرز افعال مجاز و ممنوع را تعیین کند تا در ضمن آن تکلیف کارگزاران در قبال شهروندان نیز معلوم شود (اردبیلی، ۱۴۰۱: ۱۲۹/۱).

آنچه موجب حفظ امنیت جامعه و پاس داشتن حرمت ها می شود یا عقل است یا اخلاق یا دیانت یا حکومت که در این میان، حکومت اساسی ترین نقش را دارد، زیرا در صورت انحراف در عوامل دیگر، آن ها نقش خود را در این ساحت از دست می دهند، اما نظم آفرینی و پاسداری از حرمت و حقوق مردم و ایجاد امنیت و اجرای قانون، ملازم هر حکومتی است. بنابراین مجموعه کارگزاران نهادهای عدالت کيفری باید از مرحله مقدماتی، حق متهم را بشناسند و رعایت کنند و ضامن ایجاد امنیت و اجرای قانون باشند (فرخ بخش، ۱۳۸۵: ۹۵).

### ۴- عدالت کيفری کارگزاران قضایی در صورت تعارض قوانین

ارزش پیش بینی دانسته و ارزش آن ها را برتر از مصالح نهایی مانند نظم و امنیت عمومی و آرامش جامعه تلقی خواهند کرد و در مقام مقابله حق دفاع با مصلحت های اخیر، دسته اخیر را نادیده خواهند گرفت. بنابراین مبانی برقراری مسؤولیت برای کارگزاران نهادهای عدالت کيفری، همان پایه ها و علل موجه ساز مسؤولیت اند، یعنی ریشه هایی که ضرورت و مشروعیت این مسؤولیت ها را آشکار می سازند (فرخ بخش، ۱۳۸۵: ۱۲۱).

از میان سه نوع مسؤولیت مدنی، کيفری و اداری - انتظامی، مسؤولیت کيفری قوی ترین شکل محکومیتی است که هدف از آن مجازات مجرم به جهت صیانت جامعه و پیشگیری از وقوع افعال مجرمانه است که می بایست با تقصیر موازنه داشته باشد. به طور کلی، هدف از برقراری این سه نوع مسؤولیت عبارت از احقاق حق و جبران خسارت وارده، جلب رضایت زیان دیده، برقراری عدالت، برقراری نظم و امنیت اجتماعی می باشد (باریکلو، ۱۳۸۷: ۳۹).

اهداف و مبانی برقراری مسؤولیت مدنی و کيفری دارای ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر می باشند. در عین حال، مسؤولیت در حقوق کيفری براساس مبانی و مفاهیمی تحقق می یابد که متفاوت از حقوق مدنی است و در واقع استقلال تحقق دارد (خدابخشی، ۱۳۹۸: ۴۹۲). از این جهت در ذیل به بررسی مبانی مسؤولیت کيفری پرداخته می شود.

### ۳-۱- رضایت مدنی زیان دیده

یکی از مبانی ایجاد مسؤولیت کيفری، رضایت خاطری است که در اعمال مجازات در زیان دیده جرم ایجاد می شود. خشم به حق، تألم خاطر مشروعی است که بزه دیده احساس می کند. این احساس رنجش تا زمانی که عامل ایجاد آن در محضر عدالت حاضر نشود، تسکین نمی یابد، پس مجازات، برای اقناع احساس رنجشی است که به طور طبیعی در قربانی جرم ایجاد می شود. این اقناع از آن جهت دارای اهمیت است که جلوی انتقام های شخصی قربانی را می گیرد و مانع از آن می شود که وی خودش اجرای قانون را به دست گیرد و از این راه، مجازات باعث کاهش جرم در آینده می شود (برهانی، ۱۳۹۷: ۲۴۵).

۱۵۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهیه لوایح متناسب، از وظایف ریاست قوه قضاییه است، لذا به حق می‌توان گفت رییس قوه قضاییه و به‌طور کلی، قوه قضاییه معمار قانون گذاری در حوزه عدالت کیفری می‌باشد. حال اگر این لوایح با کیفیت باشند، آثار مثبت آن متوجه شهروندان خواهد شد، یعنی تهیه لوایح کیفی، منجر به تصویب قوانین با کیفیت می‌شود. این همان چیزی است که امروزه به اصل کیفی بودن قوانین کیفری شهرت یافته است. توضیح این‌که اصل قانونی بودن جرم و مجازات در ادبیات جدید کیفری به تدریج کنار گذاشته شده و اصل کیفی بودن قوانین کیفری جایگزین آن شده است. این اصل بدین معناست که چون قانون کیفری جرم‌انگار است، حقوق و آزادی‌های فردی را محدود می‌کند و فرد را مجازات می‌کند، لذا باید قانون کیفری کیفی باشد. از مصادیق این کیفیت می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- صریح و منجز بودن قوانین کیفری و عدم وجود ابهام در آن‌ها؛

۲- درج آثاری که قانون کیفری برای فرد به دنبال دارد، بنابراین اصل کیفی بودن قوانین کیفری، مجازات‌های تبعی به‌شکلی که قبلاً در قوانین وجود داشت، منتفی است. در واقع، بنابراین اصل، افراد باید بدانند در صورت ارتکاب جرم معین، چه سرنوشت کیفری در انتظار آن‌هاست؛

۳- در دسترس بودن قانون: این دسترسی هم دسترسی فیزیکی را دربر می‌گیرد، هم درک قانون را شامل می‌شود. بدین معنا که درک قوانین کیفری برای مردم سهل و آسان باشد؛

۴- قانون‌گذاری براساس میزان امکانات عدالت کیفری: به‌عنوان مثال در لایحه قانون مجازات اسلامی جدید، حبس خانگی پیش‌بینی شده است که از نقاط عطف این لایحه محسوب می‌شود، اما باید دید قوه قضاییه به‌عنوان تهیه‌کننده این لایحه بررسی کرده کسانی که ممکن است به حبس خانگی محکوم شوند، دارای مسکن می‌باشند یا خیر یا مثلاً بررسی شود که دادگاه‌ها و ضابطین ما توانایی رسیدگی به جرایم جدیدالتأسیس را دارند. به‌عبارت دیگر امکانات قضایی

ویژگی اصل عدالت در اندیشه امام خمینی (ره) برقراری تساوی بین افراد و تساوی آن‌ها در برابر قانون، اعطای حقوق اشخاص و نفی هرگونه اختلاف طبقاتی است. از این جهت رعایت حقوق فردی، اجتماعی و عدم تضییع این حقوق از عدالت عقلی ناشی می‌شود، باید مورد عنایت باشد و ملزم به آن بود و محور تمام حقوق باشد (نوحی، ۱۳۸۶: ۳۲۵-۳۲۱). درخصوص مسؤلیت کیفری قاضی می‌توان گفت که اصل در حقوق کیفری، حمایت از افراد در مقابل تمایلات و اغراض شخصی قضات است و در صورتی که حبّ و بغض قاضی، قانون یک جامعه باشد، دیگر سخن از حقوق افراد جامعه معنایی نخواهد داشت. بنابراین وجود این اصل در حقوق کیفری نه تنها از تشتت آرا و احکام جزایی جلوگیری به عمل می‌آورد، بلکه سبب تأمین رعایت عدالت نیز خواهد شد و قاضی نیز در صورت تقصیر در صدور حکم به ناحق، دارای مسؤلیت کیفری خواهد بود (یزدانیان، ۱۳۹۵: ۳۵۲/۱-۳۵۱).

عدالت کیفری در نهایت متضمن دو حق است: ۱- حق مردم بر امنیت فراگیر جانی، مالی، اخلاقی و ...؛ ۲- حق مردم بر داشتن تأمین در برابر عوامل دولتی، قضایی و پلیسی (امنیت حقوقی) طبیعتاً احقاق این دو حق، یعنی برقراری تعادل بین تضمین حق مردم بر امنیت جانی و مالی از یک‌سو و تضمین حقوق و آزادی‌های فردی در برابر عوامل حکومتی از سوی دیگر چندان ساده نیست. از این‌رو در قوانین اساسی کشورها، بر تضمین حق امنیت مردم در برابر مداخلت غیرقانونی و خودکامه عواملی تأکید شده است که به‌نام تأمین امنیت، آنان را دستگیر، تعقیب یا محاکمه می‌کنند، پس می‌توان گفت عدالت کیفری ضامن و نگهبان حقوق و آزادی‌های فردی و امنیت جانی و مالی افراد است. گفتنی است که عدالت کیفری برای به انجام رساندن وظایف خود که همانا تحقق دو حق ذکر شده در بالا می‌باشد، از یک سلسله امکانات به‌عنوان ورودی برخوردار است و نتیجه و خروجی آن امنیت خواهد بود. اجزای تشکیل‌دهنده عدالت کیفری و اهمیت پژوهش در این حوزه عبارتند از:

۴-۱- قانون‌گذاری درخصوص مسؤلیت کیفری کارگزاران  
اگرچه قانون‌گذاری کیفری اساساً در قوه مقننه انجام می‌شود، اما کلید آن در قوه قضاییه زده می‌شود. مطابق با بند ۲ اصل

کارگزاران قضایی تصریحی وجود ندارد. در این رهگذر می‌توان قاعده لاضرر، قاعده حفظ نظام، قاعده التعمیر و کلّ عمل محرم و سیره عقلا را مورد واکاووی قرار داد.

#### ۵-۱- مسؤولیت حقوقی کارگزاران قضایی

در اصل ۱۶۷ قانون اساسی «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقض یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد»، لذا در صورت تعارض قوانین اگر در صورت عمد و تقصیر از صدور حکم امتناع کند و کارگزاران قضایی خسارتی مادی یا معنوی به اشخاص وارد نماید، ضامن و مسؤولیت کیفری متوجه وی خواهد بود.

هر چهار اصطلاح «چرایی مجازات»، «اهداف مجازات»، «توجیه مجازات» و «فلسفه مجازات»، به یک واقعیت واحد اشاره دارند؛ حقیقتی که روشن‌شدن آن دارای آثار و تبعات گسترده‌ای در هر سیستم حقوق کیفری است، زیرا باید براساس آن، همه رویکردهای خود را تنظیم نماید. برخی از حقوق‌دانان نیز قائلند که شناخت مبانی حقوق جزا، بدون شناخت اهداف آن امکان ندارد و دو مسأله مبنا و هدف با یکدیگر ارتباط ناگسستگی دارند (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۳۰۵)، حال مبانی مسؤولیت کیفری کارگزاران در صورت تعارض قوانین باید مورد بررسی قرار بگیرد. بنابراین براساس اصل ۱۷۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، «هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به‌وسیله دولت جبران می‌شود و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می‌گردد» و ماده ۱۳ قانون مجازات اسلامی نیز تقصیرهای سنگین را دربر می‌گیرد. لازم به‌ذکر است که در ماده ۵۹۷ قانون مجازات اسلامی باب تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده در باب مسؤولیت کیفری کارگزاران قضایی در صورت تناقض قوانین مقرر می‌دارد: «هریک از مقامات قضایی که شکایت و تظلمی مطابق شرایط قانونی نزد آن‌ها برده شود و باوجود این که رسیدگی به آن‌ها از وظایف آنان بوده، به هر عذر و بهانه، اگرچه به عذر سکوت یا اجمال یا تناقض قانون از قبول شکایت یا رسیدگی به آن امتناع کند یا

ما ایجاب می‌کند که جرایم ایجاد شود یا مجازات جدیدی پیش‌بینی شود.

۵- تعیین تکلیف برای قوانین آزمایشی: سؤال اساسی در این بخش این است که ایجاب می‌کند که تکلیف سازمان مخاطب قانون بعد از انقضای مدت آزمایشی قانون را دانست. مثال قانون منع استفاده از تجهیزات ماهواره‌ای، بخش عمده‌ای از قانون مجازات اسلامی فعلی، قانون جدید مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری آزمایشی هستند. در تمامی موارد پنج‌گانه بالا که به‌عنوان مصداق کیفیت قانون ذکر شد، پژوهش نقش بسزایی در حل مشکلات موجود دارد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۵۳).

#### ۴-۲- کنشگران و کارگزاران قضایی (نهادهای عدالت کیفری) در صورت تعارض قوانین

همان‌طور که در آغاز بحث گفته شد، عدالت کیفری از یک سری زیرنهادهایی تشکیل یافته که تعامل و کار هماهنگ آن‌ها با یکدیگر، منجر به تحقق اهداف دستگاه عدالت کیفری، یعنی برآورده‌شدن حق امنیت جانی و مالی شهروندان و حق تأمین در برابر عوامل حکومتی (امنیت حقوقی) برای شهروندان می‌شود. بی‌تردید کیفیت عدالت کیفری مشتمل بر کیفیت تعقیب، تحقیقات و محاکمه، منوط است به کیفیت نهادها و کنشگرانی که در خدمت عدالت کیفری هستند. این نهادها در کشور ما عبارتند از: ضابطین، دادرس، دادگاه‌ها، نهادهای اجراکننده مجازات مثل زندان‌ها و نهادهای مرحله پساکیفری که مرحله پس از مجازات را مدیریت می‌کنند. نوع و کیفیت تعامل میان این نهادها و نیز کنشگران عدالت کیفری (پلیس، دادستان، بازپرس، قاضی دادگاه و ...) بر کیفیت کار و عملکرد نظام عدالت کیفری در تأمین امنیت جانی - مالی و امنیت حقوقی - قضایی افراد و جامعه تأثیر می‌گذارد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۵۴).

#### ۵- تبیین مبانی فقهی و حقوقی مسؤولیت کیفری کارگزاران قضایی در صورت تعارض قوانین

درخصوص مسؤولیت کیفری کارگزار قضایی در قوانین موضوعه کشور تا حدودی صراحت وجود دارد، اما به‌طور مستقیم در کتب فقهی امامیه درخصوص مسؤولیت کیفری

صدور حکم را برخلاف قانون به تأخیر اندازد یا برخلاف صریح قانون رفتار کند، دفعه اول از شش ماه تا یک سال و در صورت تکرار به انفصال دائم از شغل قضایی محکوم می‌شود و در هر صورت به تأدیه خسارات وارده نیز محکوم خواهد شد.»

تفسیر و توضیح این است که باتوجه به متن فوق مشخص می‌شود که قانون‌گذار در این اصل قصد داشته، راه‌های شانه خالی کردن قاضی از صدور رأی به بهانه‌های مختلف، از جمله نبودن ماده قانونی منطبق با پرونده و یا عدم تطابق پرونده مطروحه با قوانین مدونه را ببندد، اما قانون‌گذار در این مقام راه‌های جایگزین را در صورت عدم کشف‌های قانونی مورد نظر در قوانین مدونه برای قاضی پرونده در نظر گرفته که حاکی از ارتباط تنگاتنگ مذهب جعفری و دین مبین اسلام با مسائل حقوقی و قانونی حاکم در کشور است، البته باید توجه داشت این نزدیکی و درهم‌تنیدگی منحصر به اصل فوق نیست، زیرا با توجه به اصل ۷۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قانون‌گذار حق تصویب هیچ قانونی که مخالف با موازین شرعی دین اسلام را داشته باشند، ندارند، پس همان‌طور که واضح است بستر کلی قوانین ما دین اسلام می‌باشد و به‌خصوص در قوانین مدنی قواعد اسلامی بسیار رواج پیدا کرده است، پس ارجاع قاضی در صورت عدم یافتن قانون مورد نظر در قوانین موضوعه به منابع فقهی و فتاوای معتبر فقها از سوی قانون‌گذار اصلاً امری عجیب و دور از ذهن نیست، اما محل اجمال این اصل در این است که قانون‌گذار در این اصل هم قاضی را از وجهی مبهم بیان کرده و هم در مورد معیار سنجش اعتبار فتوا مسکوت است. اگر قائل به این امر شویم که تمامی قضات به صرف این که قانون در مورد پرونده مطروحه نزد آنان ساکت بوده، می‌توانند به منابع فقهی رجوع کرده و حکم مورد را استخراج کنند، این امر خالی از اشکال نیست، زیرا منابع فقهی ما، از جمله کتاب، سنت، اجماع و عقل جزء ابزارهایی هستند که تنها مجتهد با آن‌ها سروکار داشته و به‌وسیله این ابزار و علم و درایت خود به استخراج احکام شرعی می‌پردازد، حال آن‌که نمی‌توان تمامی قضات را هم رده مجتهدین قرار داد و استنباطات آنان را از منابع فقهی معتبر شمرد. به فرض این که به تبه‌ر تمامی قضات در امر اجتهاد نیز راضی شد، در این حالت باید اختلاف سلیقه آنان با یکدیگر را نیز قبول نمود، یعنی باید

قبول نمود که یک قاضی در مورد یک پرونده حکمی دهد، اما قاضی دیگر در مورد همان پرونده حکمی متفاوت را صادر کند. همان‌طور که این اختلاف نظر در مورد احکام شرعی صادره از سوی مجتهدین فراوان یافت می‌شود، پس در مورد استفاده از منابع فقهی توسط قضات نمی‌توان به یک جمع‌بندی کامل و روشن رسید، مگر در مورد آن دسته از قضات که درجه اجتهاد را کسب کرده‌اند که این افراد مشخصاً از موضوع بحث ما خارج هستند، پس به ناچار به سراغ جایگزین بعدی رفت، یعنی استناد قاضی به فتاوای معتبر فقهی، حال باید گفت کلمه معتبر در این عبارت محل بحث و اجمال است، زیرا با ذکر این کلمه در عبارت باید قائل شد که فتاوای غیرمعتبر نیز وجود دارد، حال آن‌که قانون‌گذار هیچ ابزاری برای تمیز این دو (فتاوای معتبر از فتاوای غیرمعتبر) در اختیار مردم قرار نداده است. همچنین ایراد مورد اول به این راه حل نیز وارد است، زیرا همان‌طور که گفته شد، اختلاف نظر در فتاوای صادره از فقهای مختلف بسیار چشم‌گیر است. علاوه بر این دو، یکی از مسائل مطرح فقهی این است که نمی‌توان از مراجعی که در قید حیات نیستند، تقلید نمود، اما در اصل مذکور مشخص ذکر کرده که آیا می‌توان به فتاوای فقهای متوفی برای صدور رأی استناد کرد یا خیر. ایراد دیگر نیز آن‌که قانون‌گذار بیان نکرده رجوع قاضی در این حالت به منزله مشاوران است یا تقلید صرف. باتوجه به تمامی ایرادات فوق‌الذکر نمی‌توان اصل ۱۶۷ قانون اساسی را خالی از ابهام دانست و به‌نظر می‌رسد در حالت اضطرار بهتر است قاضی ابتدا به آرای وحدت رویه رجوع کرده و در صورت فقدان به ادله و استنباطات عقلی خود برای صدور رأی اکتفا کند. از جمله جرایمی که کارگزاران قضایی علیه اشخاص می‌توانند انجام دهند، نقض حقوق شهروندی است، مثلاً بدون هیچ‌گونه اتهام و جرمی به حریم خصوصی اشخاص ورود کنند و از تعارض قوانین سوءاستفاده نمایند؛ چنین اقدامی به استناد مواد ۱ و ۲ قانون جرایم رایانه‌ای جرم محسوب می‌شود و کارگزار اگر بدون هیچ اتهامی مرتکب چنین اقدامی شود، مجازات خواهد شد و این مهم در قانون جرم‌انگاری شده است.

۵-۲- مسؤولیت کارگزاران قضایی در فقه

۵-۲-۱- قاعده التعزیر کلّ عمل محرم

کیفری می‌داند. می‌توان از باب ملازمه عقل و شرع گفت که عدم ردع شارع مقدس در باب مسؤولیت کیفری کارگزاران قضایی می‌تواند دلیلی بر امضای شارع بر وجود مسؤولیت کیفری کارگزاران باشد.

#### ۵-۲-۴- قاعده لاضرر

نه تنها ارتکاب هر عمل خلاف قانون مسؤولیت‌آور است، بلکه هر فعلی که با عرف نیز مغایر باشد، ضمان‌آور است، یعنی اگر کسی کاری انجام دهد که در عرف پسندیده و عمل او مطابق با عمل یک انسان متعارف باشد و مصلحت عمومی در نظر گرفته شود، مسؤولیتی پیدا نمی‌کند، اگرچه باعث ضرر و زیان هم شود. برای مثال اگر کسی در راه عبور مردم سنگی را داخل آب قرار دهد تا مردم از روی آن عبور کنند و از روی اتفاق سنگ از زیر پای عابر خارج شده و موجب شکستن پای عابر گردد، نمی‌توان او را ضامن دانست، پس می‌توان نتیجه گرفت که اگر کسی به قصد نیت خدمت به دیگران کاری را انجام دهد که به صورت غیرمستقیم موجب ضرر به دیگری شود، براساس قاعده احسان ضامن نیست و از دیدگاه حقوق دانان که نظریه تقصیر را ملاک قرار داده‌اند، مسؤولیتی برعهده شخص نیست و در بررسی مفاد قاعده احسان مراد از احسان رفتار و گفتار نیک‌داشتن با دیگران است و این امر گاهی با رساندن سود مالی یا اعتباری محقق می‌گردد و گاهی با دفع ضرر مالی یا اعتباری از دیگران. کسی که عملی را انجام می‌دهد، در واقع به موجب ادله ضمان ضامن می‌باشد، مثلاً چنانچه شخصی به جهت فضولی در اموال دیگران آن را تصرف نماید و تصرف موجب تلف یا نقص اموال گردد، موجب ضمان است، منتها اگر این عمل با حسن نیت فاعل و به انگیزه خدمت به او بوده باشد، آنگاه به طور اتفاقی موجب زیان و ضرر گردد، اقدام‌کننده یا فاعل ضامن نیست، چون در این عمل قصد احسان داشته است (صمدی و خندانی، ۱۳۹۳: ۱۴۹). ارتکاز عقلایی بیانگر آن است که واردکننده زیان باید زیان واردشده را تدارک کند و در این زمینه خردمندان راه دیگری جز پرداخت خسارت نمی‌بینند. حال، اگر شارع این حکم را امضا نکند، با وضع نکردن حکم و الزام وی به پرداخت خسارت، شارع ضرر دیگری را باعث می‌شود که قاعده الضرر آن را نفی می‌کند (موسوی و انواری اغلوییگ، ۱۳۹۶: ۲۱۸)، لذا کارگزاران قضایی از این مهم استثناء

از جمله قواعدی که می‌تواند اثبات‌کننده مسؤولیت کیفری کارگزاران قضایی در فقه باشد، قاعده «التعزیر کل عمل محرّم» است که مجری استفاده آن، عمل خلاف و حرامی است که در شرع و قانون، مجازات تعیین‌شده‌ای ندارد، لذا محتوی این قاعده می‌تواند قابل تسری در مجازات اشخاص حقوقی دولت (محمدی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۴۰) از جمله کارگزاران قضایی باشد. همچنین موضوع آن اجازه مجازات دنیوی برای اعمال محرّم است (محقق داماد یزدی، ۱۴۰۶: ۴۰/۴)، لذا به نظر می‌رسد اطلاق قاعده اجرای تعزیر صرفاً در صورت وجود مسؤولیت کیفری کارگزاران قضایی باشد.

#### ۵-۲-۲- مبنای قائم مقامی دولت

یکی از مبانی مسؤولیت کیفری کارگزاران قضایی را می‌توان به بحث قائم مقامی یا توارث دولت‌ها تعمیم داد. مبانی این بحث قاعده «من له الغنم فعلیه الغرم» است، یعنی زیان بر عهده شخصی است که غنیمت و نفع برای او است، چراکه دولت مسؤول بیت‌المال مسلمانان است، از این جهت ضامن خسارات غیرعمد کارگزاران نیز می‌تواند باشد. برخی از فقهای امامیه معتقداند که امام اگر وارث کسی باشد، ضامن او نیز است (بحرالعلوم، ۱۴۲۰: ۴۵/۴). بنابراین اگر کارگزار قضایی در صورت تعارض قوانین به صورت عمدی مرتکب فعلی یا ترک فعل که منجر به خسارت و مسؤولیت کیفری شود، می‌توان خسارت را از بیت‌الملل پرداخت نمود.

#### ۵-۲-۳- سیره عقلا

عقل سلیم انسان‌ها، فارغ از دین، مذهب و فرهنگ‌های متفاوت، می‌تواند مصدر تصمیم‌گیری‌هایی باشد که در بسیاری از موارد با مصادر شرعی نیز ملازمه دارد و قاعده «کل ما حکم به العقل حکم به الشرع» حاکی از آن است که میان حکم شرع و عقل رابطه تلازم وجود دارد، البته برخی محققین بر این باورند که «تنوع و تعدد در آرای انسان‌ها به وسیع و زیاد است که حتی بعضی از آن‌ها نسبت به بعضی دیگر کاملاً متضاد و متعارض، بلکه متناقض است» (جوادی آملی، ۱۳۹۴: ۴۷).

سیره عقلا انتساب برخی از جرایم و تخلفات را به اشخاص حقوقی، از جمله کارگزاران قضایی مقبول دانسته و در بسیاری از موارد اشخاص حقوقی، از جمله قاضی را مستحق مسؤولیت

کارآمدی اداری در سیستمها صورت می‌گیرد و بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که نوع و الگوی نظارت و ارزیابی کارگزاران در نوع و میزان کارآمدی سیستمها مؤثر می‌باشد. در الگوی مدیریت فقهی حکومت اسلامی، نظارت اساسی نه فقط از طریق ابزار مکانیکی ظاهری و مادی، بلکه علاوه بر آن، به نحو شدیدتری از طریق مؤلفه‌های درونی معنوی صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر، تقوای کارگزار حکومت اسلامی به صورت درونی نوعی خودکنترلی را برای وی ایجاد می‌کند که در نتیجه آن، وجدان کاری، تعهد به وظایف، روحیه جهادی، دغدغه خدمت به خلق‌الله و نظیر این موارد برای کارگزار و کارآمدی برای سیستم حاصل می‌آید. فقه اسلامی، علاوه بر این که احکام الگوی خدمت‌گذار را بیان می‌دارد، روش‌های نظارت بر آن و روش‌های مؤاخذه وی در صورت تخطی از قواعد و احکام را نیز ارائه می‌دهد.

بحث مسؤولیت کیفری کارگزاران قضایی در صورت تخطی در تعارض قوانین، اثبات آن بسیار سخت است، اما در صورتی که کارگزار قضایی با قوانین معارض حقوق مردم را تضییع نماید و عمد و تقصیر کارگزار قضایی در تخطی محرز باشد، قطعاً قابل پیگیری و مسؤولیت کیفری متوجه وی خواهد بود، لذا برخلاف مسؤولیت مدنی که می‌توان شخصی را به جای شخص دیگر مسؤول دانست، در قلمرو مسؤولیت کیفری کارگزاران قضایی می‌توان بر اساس اصل شخصی بودن مسؤولیت، شخص کارگزار قضایی را مسؤول جبران خسارت دانست و نباید شخصی غیر از او را محاکمه و مجازات نمود. در غیر این صورت به نظر می‌رسد اگر قوانین متعارض به حقوق اشخاص صدمه‌ای وارد آورد و عمدی در کار نباشد، می‌توان گفت کارگزار قضایی بری و پرداخت خسارت از بیت‌المال خواهد بود، لذا اگر کارگزاران قضایی در انجام وظایف خود با تعارض قوانین روبه‌رو شوند و موجب تضییع حقوق اشخاص شوند. از این رو موجب تضعیف اعتقاد ملت‌ها به توانایی خویش و باعث ناامیدی و سرخوردگی نسبت به آینده‌ای قابل پیش‌بینی می‌شود، در نتیجه بررسی مسؤولیت کیفری کارگزاران در صورت تعارض قوانین یک ضرورت است تا از تشدید آسیب‌ها در آینده پیشگیری نماید.

نیستند و در مواردی که تعارض قوانین باعث شود که به صورت عمد یا بر مبنای تقصیر یا سوءنیت موجب ضرر مالی، بدنی و حیثیتی برای اشخاص شوند، در برابر زیان‌دیدگان مسؤولیت کیفری و مدنی دارند (صالحی مازندرانی، ۱۳۹۱: ۲۵۲).

همچنین می‌توان به جرایم کارگزاران در صورت تعارض قوانین علیه اموال و مالکیت اشخاص اشاره نمود که در پرتو «اصل ضرر به دیگری» قابل توجیه است که محدودکننده آزادی افراد است که توجیه مناسبی برای جرم‌شناختن فعل زیان‌بار کارگزار قضایی خواهد بود، مثلاً قاضی به دلیل تعارض قوانین از اشخاص اخذ رشوه یا وجوهی غیرقانونی را مطالبه کند که این مهم در ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب سال ۱۳۸۰، تبصره ۳ ماده ۶۲ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه مصوب ۱۳۸۹ و ماده ۵۸۹ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵ و ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاه‌برداری آمده است یا حکم تخریب غیرقانونی یا اتلاف اموال اشخاص صادر نماید.

### نتیجه‌گیری

در هر مقطعی از زمان، حکومت یا نماینده آن بخواهد در مقام کشف جرم، شخصی را مورد تعقیب قرار داده و به‌عنوان متهم وی را به مرجع رسیدگی‌کننده به جرم فرا خواند، این کار باید به شیوه‌ای منصفانه و با رعایت معیارهای دادرسی منصفانه صورت پذیرد و در تمامی مراحل رسیدگی به اتهام، حافظ حقوق متهم باشند. بر همین اساس، قوانین و مقرراتی که برای مشخص نمودن مسؤولیت کیفری کارگزار قضایی در نهادهای عدالت کیفری پیش‌بینی شده است. در حقوق ایران، قانون‌گذار برای تخیلی کارگزاران نهادهای عدالت کیفری از رعایت این امر، سه نوع مسؤولیت مدنی، کیفری و اداری - انتظامی پیش‌بینی نموده است. با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اهتمام قانون‌گذار در رفع خلأهای قانونی قبلی بیشتر دیده می‌شود و برای اکثر تخلفات و جرایم صورت‌گرفته، ضمانت‌های اجراهای مقتضی پیش‌بینی شده است.

در همه نظام‌های سیاسی کارگزاران حکومتی مورد ارزیابی و نظارت قرار می‌گیرند. در واقع این رویکرد، با دغدغه تحفظ بر

- جعفری، مجتبی (۱۳۹۶). «بازاندیشی در مفهوم مسؤولیت کیفری فعل غیر». فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۶(۲۰): ۱۷۳-۲۰۰.

- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۴). نسبت دین و دنیا: بررسی و نقد نظریه سکولاریسم. چاپ هشتم، قم: نشر اسراء.

- خدابخشی، عبدالله (۱۳۹۸). تمایز بنیادین حقوق مدنی و حقوق کیفری. چاپ سوم، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.

- دلفانی، علی اشرف (۱۳۹۲). مبانی مسؤولیت کیفری در حقوق اسلام و فرانسه. چاپ دوم، تهران: انتشارات بوستان قم.

- دهخدا، علی اکبر (۱۳۵۲). لغت‌نامه. چاپ اول، تهران: چاپخانه مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، حرف میم، بخش دوم، ذیل واژه مسؤولیت.

- سلیمی، صادق (۱۳۹۲). پدیده مجرمانه و مسؤولیت کیفری در حقوق بین‌المللی و حقوق کیفری ایران. چاپ اول، تهران: انتشارات خیام.

- صالحی مازندرانی، محمد (۱۳۹۱). بررسی فقهی حقوقی مسؤولیت مدنی ناشی از تصمیمات قضایی با نگاهی به برخی نظام‌های حقوقی. چاپ اول، تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

- صمدی، صدیقه و خدانی، سیدپدرام (۱۳۹۳). «حسن نیت فاعل فعل زیان‌بار». تحقیقات حقوقی بین‌المللی، ۷(۲۴): ۱۴۷-۱۹۵.

- فارابی، ابونصر (۱۳۵۸). سیاست مدنی. ترجمه جعفر سبحانی، چاپ اول، تهران: انجمن فلسفه ایران.

- فرح‌بخش، مجتبی (۱۳۸۵). «مفهوم و مبانی حقوق دفاعی متهم». مجله حقوقی دادگستری، ۷۰(۵۶-۵۵): ۱۱۱-۱۳۶.

- فیروزآبادی، محمد (۱۴۱۵). القاموس المحيط. جلد سوم، چاپ سوم، بیروت: انتشارات دارالکتب العلمیه.

پیشنهادات: پیشنهاد می‌شود که با مطالعه مسؤولیت کیفری کارگزاران قضایی خلأهای موجود در قانون در عرصه مسؤولیت کیفری کارگزاران قضایی را بیان نمود و این خلأها و نواقص را به قانون‌گذار برای قانون‌گذاری در آینده انعکاس داد تا شاهد هرچه بیشتر عدالت کیفری بود.

مضافاً گاهی اشتباهات و تقصیر کارگزاران قضایی باعث خسارت‌های به اشخاص می‌شود و سبب مسؤولیت کیفری و مدنی نسبت به کارگزاران قضایی وارد می‌آید، لذا پیشنهاد می‌شود که قوه قضاییه کارگزاران قضایی را بیمه نموده تا از عهده خسارت‌های احتمالی برآیند.

**ملاحظات اخلاقی:** در این پژوهش تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت گردیده است.

**تعارض منافع:** نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

**سهم نویسندگان:** برابر.

**تشکر و قدردانی:** ابراز نشده است.

**تأمین اعتبار پژوهش:** این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

## منابع و مأخذ

- اردبیلی، محمدعلی (۱۴۰۱). حقوق جزای عمومی. جلد اول، چاپ هفتادویکم، تهران: انتشارات میزان.

- آلمن، اندرو (۱۳۸۶). درآمدی بر فلسفه حقوق. ترجمه بهروز جندقی، چاپ اول، تهران: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

- باریکلو، علیرضا (۱۳۸۷). مسؤولیت مدنی. چاپ دوم، تهران: انتشارات میزان.

- بحرالعلوم، سیدمحمد (۱۴۲۰). بلعه الفقیهه. جلد چهارم، چاپ پنجم، بیروت: نشر مکتبه الصادق (ع).

- برهانی، محسن (۱۳۹۷). اخلاق و حقوق کیفری. چاپ سوم، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

- یزدانیان، علیرضا (۱۳۹۵). حقوق مدنی، حقوق تعهدات، قواعد عمومی مسؤولیت مدنی با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه. جلد اول، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.

#### ب. قوانین

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه، مصوب ۱۳۸۹.
- قانون تجارت، کمیسیون قوانین عدلیه مجلس شورای ایران، مصوب ۱۳۱۱.
- قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاه برداری، مصوب ۱۳۶۸.
- قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، مصوب ۱۳۸۰.
- قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده، مصوب ۱۳۷۵.

- فیومی، احمد (۱۴۱۴). المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی. جلد اول، چاپ اول، قم: انتشارات مؤسسه دارالهجره.

- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۳). فلسفه حقوق تعریف و ماهیت حقوق. جلد اول، چاپ هفتم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- گلدوزیان، ایرج (۱۴۰۱). ندای انصاف و عدالت. چاپ دوم، تهران: انتشارات میزان.
- محقق داماد یزدی، سیدمصطفی (۱۴۰۶). قواعد فقه. جلد چهارم، چاپ دوازدهم، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- محمدی جرجافی، محمود؛ افضل‌گروه، روح‌الله و خزاعی، مجید (۱۴۰۱). «تحلیل مبانی فقهی مسؤولیت کیفری دولت‌ها». تحقیقات حقوقی بین‌المللی، ۱۵(۵۶): ۱۲۹-۱۵۰.
- موسوی، سیدمحمدصادق و انواری اغلوییگ، بهرام (۱۳۹۶). «واکاوی مستندات مسؤولیت قانونی مبتنی بر تقصیر قاضی». فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۹(۱۷): ۲۰۹-۲۳۴.
- میرزائی، اقبال علی (۱۳۹۸). «اصول و فنون جمع و دفع تعارض قوانین». مطالعات تطبیقی فقه و اصول مذاهب، ۲(۲): ۷۵-۹۹.
- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین (۱۳۹۱). «درآمدی بر پژوهش در نظام عدالت کیفری: فرصت‌ها و چالش‌ها». فصلنامه قضاوت، ۱۱(۷۷): ۵۲-۵۴.
- نوایی، علی‌اکبر (۱۳۸۲). «تصویری از کارگزاری در نظام اسلامی و بایدهای اخلاقی آن». پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ۹(۳-۴): ۸۷-۱۱۱.
- نوحی، حمیدرضا (۱۳۸۶). قواعد فقهی در آثار امام خمینی (ره). چاپ دوم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، مؤسسه چاپ و نشر عروج.
- یزدانیان، علیرضا (۱۳۹۱). «طرح مسؤولیت مدنی آموزگار ناشی از عمل دانش آموز در حقوق ایران همراه با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه». دوفصلنامه علمی - پژوهشی دانش حقوق مدنی، ۱(۱): ۳۷-۴۷.